

امکان سنجی استناد نتیجه به فعل زیان بار در مسئولیت مدنی ناشی از انتشار ویروس کرونا از منظر فقه اسلامی و حقوق ایران

محمدجواد اصغری^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، از جامعه المصطفی (ص) العالمیه، فعال فرهنگی و پژوهشگر

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه

چکیده

یکی از بیماری‌های واگیر پرتلفات در عصر حاضر، بیماری کروناسست که آثار و تبعات منفی آن کل جهان را تحت تأثیر قرار داده است. در این تحقیق درباره مسئولیت مدنی افرادی که در انتقال و انتشار ویروس کرونا به دیگران نقش داشته و باعث شیوع بیماری شده که در نتیجه آن افرادی جان شان را از دست داده و تعدادی دیگر بیمار شده ضررهای مالی دیده اند. بعد از مطالعه منابع فقهی و حقوقی در باره مسئولیت مدنی افراد حامل ویروس کرونا یافته‌ها حکایت از آن دارد که افرادی که سبب یا مباشر انتقال کرونا باشند، به‌طور قطع مسئولیت مدنی دارند ولو اینکه از روی سهل انگاری، غفلت، بی احتیاطی و بی‌مبالاتی باعث انتقال ویروس شوند، منتهی موضوع قابل بحث برقراری رابطه سببیت و قابلیت استناد است؛ یعنی زمانی ما می‌توانیم حکم به مسئولیت مدنی افراد نماییم که ضرر وارد شده به رفتار زیان بار متهم مستند باشد و متهم در قبال نتیجه‌ای مسئول و پاسخگوست که ناشی از رفتار زیان بار وی باشد. بنابراین، تا زمانی که نتیجه‌ای به وجود آمده به رفتار مستند نباشد، مسئولیت به‌وجود نمی‌آید. معیار استناد دیدگاه عرف است. از منظر عرف هرگاه ضرر و زیان وارد شده به رفتار مرتکب مستند باشد، این استناد دارای آثار و احکامی است که عبارت است از مسئولیت مدنی مرتکب در قبال رفتار زیان بار خود. حقوق دانان و فقیهان احراز رابطه‌ای سببیت را امر عرفی دانسته اند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت، مدنی، کرونا، انتقال، قابلیت، استناد

مقدمه

یکی از مشکلات و چالش‌های زندگی دنیایی مدرن، سرعت انتقال غیر ارادی امراض ساری و واگیر مانند سارس، ایبولا، آنفلوآنزا، ایدز و کرونا، و... از یک کشور به کشور دیگر است. در گذشته انتقال امراض واگیر با این سرعت و وسعت امکان نداشت. عوامل اصلی تهدیدکننده سلامت انسان‌ها طی قرون گذشته، بیماری‌های واگیر بوده است که تلفات زیادی انسانی را در پی داشته است، ولی در گذشته سرعت انتقال و قلمرو گسترش انتشار آن محدود بود، اما امروزه سرعت انتشار این نوع بیماری زیاد است به گونه‌ای که در یک فاصله زمانی بسیار کوتاه سطح گسترده‌ای از مردم جهان را مبتلا می‌سازد. یکی از خطرناک‌ترین آنها ویروس کرونا است که با جثه‌ای بسیار ریز و میکروسکوپی در مدت زمان کوتاهی به یک معضل جهانی تبدیل شده است. تاکنون میلیون‌ها انسان به ویروس کرونا مبتلا و میلیون‌ها انسان دیگر جان‌شان را از دست داده اند و فاجعه بزرگ انسانی در حال رخ دادن است و اقتصاد جامعه نیز به کلی فلج شده و تمام بخش‌های زندگی جامعه بشری تحت تأثیر منفی کرونا قرار گرفته است. هیچ موضوعی در قرن بیستم غیر از دوجنگ جهانی تا این اندازه بر جامعه بشری اثر منفی و سوء نداشته است. درکل تغییر سبک زندگی انسان‌ها فقط بخشی از پیامدهای کوتاه مدت این ویروس تا کنون بوده است و حتماً تأثیرات بلند مدت مهمی نیز در آینده خواهد داشت. دلیل پرخطر بودن این ویروس، سرعت نقل و انتقال آن از محیط به فرد و از فردی به فرد دیگر است که به آسانی از یک فرد به فرد دیگر و از یک نقطه جهان به نقطه دیگر منتقل می‌گردد. هر روز نوع خطرناک و جهش یافته‌ای از آن در یک گوشه عالم شناسایی و مشاهده می‌شود اقداماتی زیادی جهت مهار این بلای طبیعی در جهان روی دست گرفته شده است، ولی تا کنون نتیجه نداده است حتی کشورهای قدرتمند و پیشرفته جهان از کنترل و مهار آن عاجز مانده اند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز نهادهای متعدد مانند ستاد مقابله با کرونا، وزارت بهداشت، مقامات عالی‌رتبه کشوری و حتی مراجع تقلید و علمای دینی جهت جلوگیری از تکثیر این ویروس و پیشگیری از ابتلا مردم به این بیماری به همگان توصیه نمودند که پروتکل‌های بهداشتی پیشگیرانه و توصیه‌های بهداشتی را جدأ رعایت نمایند و کسانی که مبتلا به ویروس شده اند باید در قرنطین بسر ببرند و در قبال سلامت خود و دیگران احساس مسئولیت کنند، متأسفانه اکثریت مردم به توصیه‌ها و دستورات بهداشتی و پروتکل‌ها توجه شایسته و بایسته نکردند.

با توجه به تلفات جانی گسترده و با عنایت به آسیب‌ها و زیان‌های سرسام آور مالی که اقتصاد جامعه بشری را با رکود، فقر و فلاکت باری مواجه ساخته است، ایجاب می‌کند که این موضوع از لحاظ حقوقی و فقهی مورد کنکاش و تحقیق قرار گیرد؛ زیرا رسالت فقه و حقوق دفاع از نظم و سلامت جامعه و حمایت از حقوق زیان دیدگان و حفظ حقوق شهروندان است، این موضوع باید از زوایای مختلف مورد تحقیق قرار گیرد و مسئولیت افراد سودجو و جنایتکاری که منافع اقتصادی‌شان را در شیوع و گسترش این هیولای ضد بشری می‌دانند و در توسعه و گسترش این ویروس نقش دارند، روشن شود. مسئولیت کیفری و مدنی اشخاصی که سلامت جامعه را تحت هر عنوان و اسمی چه عمداً و یا سهواً و یا از روی سهل انگاری و یا از روی غفلت، به خطر انداخته و هزینه‌های جانی و مالی بر جامعه تحمیل می‌کنند، احکام‌شان را روشن سازد، تا در میدان عمل دست دادرسان باز باشد.

پرسش اصلی این تحقیق این است اشخاصی که سبب انتقال ویروس کرونا به دیگران می‌شوند، در قبال جان و همچنین هزینه‌های تحمیلی مالی دیگران می‌شوند چه مسئولیت دارند؟ در این مقاله اشاره مختصر به ابعاد فقهی و حقوقی ارکان مسئولیت مدنی ناشی از ویروس کرونا می‌شود، ولی تمرکز اصلی بحث روی رابطه سببیت و امکان سنجی اثبات رابطه سببیت و قابلیت استناد در این مسأله است؛ زیرا مطابق قانون زمانی شخص یا اشخاصی مسئول ضرر و زیان قلمداد می‌شوند که ضرری متوجه کسی شده باشد و از طرفی دیگر فعل زیان باری نیز از شخصی صادر شده باشد و مهم‌تر از همه رابطه‌ای بین این نتیجه و فعل زیان بار یا شخص عامل زیان برقرار باشد. اثبات رابطه سببیت و اصل استناد بین فعل زیان بار و نتیجه موضوع مهم است. مسئولیت مدنی زمانی محقق می‌گردد که استناد فعل زیان بار یا جنایت به فاعل و کسی که فعل زیان بار را انجام داده با ادله و شواهد ثابت شود و استناد توجیه عقلانی و عرفی داشته باشد.

۱. واکاوی مفهوم ضرر در مسئولیت ناشی از انتقال ویروس کرونا

یکی از مباحث مهم در مسئولیت مدنی، بحث ارکان مسئولیت مدنی است. ارکان در اصطلاح حقوقی به معنای عناصر اصلی و پایه‌های است که شاکله و چارچوبه موضوع اصلی روی آن پایه‌ها استوار است. در مسئولیت مدنی نیز ارکانی وجود دارد. حقوق دانان در مسئولیت مدنی قهری سه رکن اساسی وجود ضرر، فعل زیان‌بار، رابطه سببیت (رابطه بین فعل زیان‌بار و نتیجه) را ضروری می‌دانند که در صورت فقدان یکی از این ارکان، مسئولیت مدنی منتفی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۶۴۲؛ بهرامی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵) به عبارت دیگر در تحقق مسئولیت مدنی عناصری لازم است که بدون وجود آن عناصر مسئولیت مدنی محقق نمی‌شود (باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۶۰) این سه عنصر به عنوان سه شرط ثابت مسئولیت مدنی قلمداد می‌شود؛ زیرا وجود آنها در هر حال برای تحقق مسئولیت مدنی ضرورت دارد. (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۷۲)

در تحقق مسئولیت مدنی ناشی از ویروس کرونا نیز، ارکان سه‌گانه لازم است، اما با بررسی و مطالعه اجمالی اوضاع و احوال فهمیده می‌شود که در مسئولیت مدنی ناشی از انتقال ویروس کرونا، تحقق برخی از ارکان مسئولیت مدنی (رابطه سببیت) با مشکلات و ابهاماتی رو برو است؛ زیرا حکم به مسئولیت مدنی انتقال دهنده ویروس کرونا کمی دشوار است، بدین جهت بحث این تحقیق روی اثبات رابطه سببیت و یا قابلیت استناد متمرکز می‌باشد. پس در مفهوم ارکان مسئولیت مدنی هم قاعدتا تفاوت وجود دارد.

۱-۱. وجود ضرر

اولین عنصر اساسی و رکن مهم که پایه و اساس مسئولیت مدنی است، یا اولین شرط برای تحقق مسئولیت مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری، وجود ضرر و زیان است. ضرر از دیدگاه اهل لغت، فقه و حقوق معانی مختلفی دارد که به چند معنای اصلی و کاربردی آن اشاره می‌گردد:

۱-۱-۱. مفهوم لغوی ضرر

در مورد معنا و مفهوم «ضرر»، اهل لغت معانی مختلفی ذکر کرده‌اند. خلیل فراهیدی که از اولین مؤلفان کتاب لغت به شمار می‌آید، بر این باور است که ماده ضرر یک مفهوم بیشتر ندارد و آن عبارت است از نقصان. ایشان می‌نویسد: «والضرر النقصان یدخل فی الشیء»؛ (الزبیدی، ۱۴۱۴، ۱۲۲؛ الفراهیدی، ۱۴۱۰، ۷؛ الطریحی، ۱۳۶۲، ۳۷۲)؛ ضرر به معنای نقصانی که در یک چیز وارد شود.

ابن اثیر نیز ضرر را به معنای نقص دانسته است: «فمعنی قوله لا یضر الرجل اياه فینقصه شیئاً من حقه»؛ (ابن اثیر، بی‌تا، ص ۸۱) معنای لا یضر این است که کسی به برادر خود ضرر نزند و اینکه چیزی از حق او را ناقص ننماید. به نظر می‌رسد مفهوم اولی و پرکاربرد ضرر، در کتب لغت به معنای «نقص» است و موارد دیگر از مصادیق غیرمهم ضرر است. نقص، مفهومی گسترده دارد و شامل هر چیزی می‌شود که قابلیت کامل بودن را دارد، ولی کامل نیست در هر صورت مفهوم ضرر همان نقص است و اگر کسانی معنای ضرر را ضد نفع دانسته اند، به آن جهت است که نبود نفع در مواردی که شایستگی نفع دارد، نقص به شمار می‌آید.

۱-۱-۲. مفهوم فقهی ضرر

الف. آقا ضیا در تعریف ضرر نوشته است: «فهو النقص فی الشیء فی قبال النفع و متعلقهما یصح أن یکون النفس، و المال، و العرض...» (آقا ضیاء، ۱۴۱۸، ۱۲۹)؛ ایشان می‌فرماید: «ضرر عبارت است از نقص در چیزی که در مقابل نفع قرار دارد و متعلق ضرر و نفع می‌تواند نفس، مال و عرض باشد.»

ب. آقای مشکینی در تعریف ضرر می‌نویسد: «فالظاهر أن الضرر هو ما یقابل النفع - من النقص فی النفس أو الطرف أو العرض أو المال...» (مشکینی، ۱۴۱۳، ۳۵۲)؛ ظاهر این است که ضرر چیزی است که در مقابل نفع قرار دارد. و آن عبارت است از نقص در نفس یا اعضای انسان یا آبرو و یا مال.

ج. آقای مکارم شیرازی می‌نویسد: «فَقَدْ كُلُّ مَا نَجَدَهُ وَ نَنْتَفِعُ بِهِ مِنْ مُوَاهِبِ الْحَيَاتِ مِنْ نَفْسٍ أَوْ مَالٍ أَوْ عَرَضٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۵۵)؛ به نظر ایشان از دست دادن آنچه که از مواهب زندگی که ما به دست می‌آوریم و از آن نفع می‌بریم که عبارت از جان، مال و آبرو و مانند آن باشد، ضرر نامیده می‌شود.

خلاصه اینکه از نظر فقیهان ضرر عبارت است از نقص، ممکن است در جان، مال و یا عرض و آبرو باشد. شهید صدر در این باره می‌نویسد: «و الحاصل أنَّ الضرر عبارة عن النقص في حيثية من الحيثيات العائدة إلى الإنسان، مما يكون مؤدياً إلى الشدة والضيقة و إلى نوع من سوء الحال...» (شهید صدر، بی‌تا، ص ۷۰۰)؛ حاصل کلام اینکه ضرر عبارت است از نقصی وارد شده در حیثیتی از حیثیت‌های که به انسان بر می‌گردد و از چیزهای است که منجر به شدت و یا ضیق یا به نوع سوء حال شود.

۳-۱-۱. تعریف حقوقی ضرر

حقوق دانان نیز، تعاریف مختلفی از ضرر ارائه داده اند. یکی از اساتید حقوق نوشته است، در حقوق ضرر در معانی ذیل به کار می‌رود:

الف. صدمه جانی زدن به خود و دیگری، خواه به صورت ضرب و جرح باشد و خواه به صورت قتل.

ب. تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود. (ضرر معنوی)

ج. تعرض به ناموس دیگران. (ضرر معنوی)

د. اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال غیر، مانند غصب و خیانت در امانت و اختلاس.

ه. ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی وجود آن حاصل شده است (عدم النفع) مانند کندن درختان میوه‌ای که شکوفه دارند؛ زیرا همین داشتن شکوفه مقتضی دادن میوه است و میوه منفعت درخت است. (طاهری، ۱۴۱۸، ۳۴۴-۳۴۵).

یکی از اساتید در مورد تعریف ضرر می‌نویسد: «هرجا تلفی و یا نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت عواطف و حیثیت شخصی لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۲۴۲ و ۲۴۳)

خلاصه اینکه از نظر حقوق دانان ضرر عبارت است از تلف و نقص در مال و یا از دست دادن منفعت مسلمی و لطمه زدن به عرض و آبرو و شخصیت و احساسات و عواطف انسان.

بنابراین، ضرر یک مفهوم عرفی است هرآنچه را عرف ضرر بداند، همان ضرر است و ضرر در قالب تعریف لفظ نمی‌گنجد.

۴-۱-۱. تطبیق تعاریف یاد شده در مورد زیان دیدگان کرونایی

در بخش تعریف ضرر گفته شد که ضرر یک امر عرفی است. حال پرسش این است که در مسئولیت مدنی ناشی از ویروس کرونا کدامیک از معانی و مفاهیم عرفی ضرر، مادی یا معنوی صادق است؟ آیا ضرر در اینجا به معنای تلف، نقص، ضدنفع، سوء حال لطمه به حیثیت، احساسات و عواطف و... می‌باشد یا معنای دیگری دارد. در گذشته در مورد ضرر وارده به زیان دیده مصادیقی ذکر شد، مثلاً اگر کسی زخمی به کسی وارد نموده و یا دست و پایش را شکسته یا نقصی در عضو از اعضای بدنش وارد نموده و یا مالی را تلف نموده است، از نظر عرف ضرر صدق می‌کند و زیان رساننده ضامن جبران خسارت است، اما در مورد ضرر و زبانی ناشی از ویروس کرونا نگاه عرف نسبت به ضرر فرق می‌کند در اینجا نباید توقع داشت که ضرر یعنی زخمی شدن یا شکستن دست و پا و یا تلف مال باشد، پس با نگاه سنتی نمی‌توان ضرری وارد شده از ناحیه انتقال ویروس کرونا را با ضرر عرفی تعریف شده تطبیق داد.

در تمام موارد بیماری کرونا، چه آنهایی که مبتلا به مریضی شده اند بهبود یافته و چه کسانی که فوت شده اند، دقت شود مصادیق و انواع ضرر را مشاهده می‌کنیم، ولی با کمی تفاوت. چنانچه کسی در نتیجه کرونا فوت شود طبیعی است که خسارت سنگین مالی و جانی فشار روانی و عاطفی به یک خانواده وارد شده است و اگر کسی فوت هم نشده مدتی که بیمار شده هزینه دوا و درمانی که پرداخت نموده یک نوع ضرر مالی است و اگر فرد مبتلا به بیماری کرونا کارگر یا کارمند بوده و در مدت بیماری از کار مانده و ضرر مالی تدریجی اقتصادی؛ یعنی عدم النفع به خانواده بیمار وارد شده است. پس تعاریف یاد شده از ضرر در مورد افرادی که مبتلا به کرونا گردیده و یا در بیمارستان بستری شده و هزینه‌های مالی بر آنها تحمیل شده است، صدق می‌کند و مریض شدن و مبتلا گردیدن به ویروس کرونا ضرر اقتصادی به خانواده‌ها وارد می‌سازد.

۲. ارتکاب فعل زیان بار توسط اشخاص انتقال دهنده

مفهوم فعل زیان بار به طور عام و فعل زیان بار کرونی به طور خاص

مفهوم فعل زیان بار

دومین رکن از ارکان مسئولیت مدنی ارتکاب فعل زیان باری است که از شخصی زیان رساننده صادر می‌شود. فعل چه مادی باشد یا غیرمادی، مستقیم باشد، یا غیرمستقیم، فعل باشد یا ترک فعل، فریب دادن، تهدید و یا اکراه همه موارد یاد شده را شامل می‌شود. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱، ۲۳۴) مراد از فعل زیان بار این است که عمل شخص موجب ضرر دیگری بشود. فعل زیان بار ممکن است به صورت عمل مثبت باشد مانند اینکه شخص دیوار خانه دیگری را تخریب نماید این تخریب، یک عمل وجودی و مثبت است که عامل آن را انجام داده است و عرف او را عامل فعل زیان بار می‌داند. ممکن است، عمل زیان بار به صورت فعل منفی مضر باشد، یعنی کسی به حکم قانون وظیفه دارد که کاری را انجام بدهد، ولی انجام نمی‌دهد، در نتیجه عدم انجام فعل (ترک فعل) ضرری به دیگری وارد شده است؛ مثل اینکه اگر به دلیل عدم نصب علائم هشدار دهنده در چهار راه توسط شرکت راه آهن، قطار با وسیله نقلیه دیگری با هم تصادم نمایند در صورتی که مشخص شود، اگر این علائم نصب می‌شد، حادثه روی نمی‌داد، ترک فعل شرکت راه آهن سبب واقعی ورود زیان خواهد بود (باوینی، ۱۳۸۴، ۲۲۱) یا راننده‌ای اتومبیلی که در جاده دچار نقص فنی شده، ولی از گذاشتن علامت خطر در جای لازم خود داری می‌نماید و باعث تصادف می‌شود، ضامن خسارت ناشی از تصادف است (همان، همان).

در نتیجه بی‌احتیاطی مقام مسئول، خسارتی وارد می‌شود و این خود خطایی است غیر قابل بخشش است؛ خطایی که یک شخص محتاط مرتکب آن نمی‌شود و بی‌احتیاط کسی است که هیچ وقت به نتایج عمل خود نمی‌اندیشد. بی‌مبالاتی نیز همان بی‌احتیاطی است، اما به صورت ترک فعل بوده و به معنای خودداری از انجام عملی می‌باشد که انجام آن شرط احتیاط است (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ۴۱۶؛ اردبیلی، ۱۳۹۲، ۱۸۲) فعل زیان بار در امور عادی در عرف جامعه مصادیق روشن دارد مانند اینکه کسی به قصد کشتن و یا مجروح ساختن کسی با چاقو و یا آلت قتاله‌ای به وی حمله نماید او را مجروح بسازد و یا به قتل برساند و یا کسی را با دست خفه نماید و یا با چوب و لگد بزند یا جای از بدن کسی را بشکند و مانند اینها. از نظر عرف جامعه امروزی همه این موارد فعل زیان بار به حساب می‌آید.

مفهوم فعل زیان بار در انتشار ویروس کرونا

در بخش قبلی گفته شد، فعل زیان بار فعلی است که سبب اضرار به دیگری می‌شود و از هرکسی چنین عملی سر بزند عرف چنین عمل را غیرقانونی و زیان آور می‌داند. پرسش این است که عمل یا رفتاری که یک فرد مبتلا به کرونا انجام می‌دهد، آیا از نوع اعمال زیان بار مادی مثبت است یا اینکه ترک فعل را نیز شامل می‌شود؟ آیا انجام عمل از طرف فرد مبتلا به ویروس کرونا شرط تحقق مسئولیت است یا اینکه نفس حضور در اجتماع یا بیرون شدن از خانه و رعایت نکردن قرنطین بدون اینکه کار خاصی انجام دهد هنجارشکنی و تخلف است؟ برای روشن شدن وضعیت فعل زیان بار افراد مبتلا به کرونا توضیح چند موضوع لازم است:

الف. نبود تعریف روشن از فعل زیان بار فرد مبتلا به ویروس کرونا

در مورد رفتار مجرمانه یا هنجارشکن فرد مبتلا به کرونا، تا کنون نه در قانون جزا و نه در کدام مقرر و عرفی تعریف مشخصی از هنجارشکنی فردی مبتلا به کرونا ارائه نشده است که این نوع رفتار مثلاً برخلاف هنجارهای اجتماعی و برخلاف رفتار یک فرد متعارف است. معیار و ملاک مضر بودن یا زیان بار بودن رفتار فرد مبتلا به کرونا چیست چه سازمان یا نهادهای زیان بار بودن یا نبودن را تعیین می‌کند عرف، یا قانون و یا کدام نهاد خاص دیگر؟ چه نوع فعل و رفتاری در این مورد به خصوص زیان بار است؟ در جرایم عادی نوع رفتار زیان بار و هنجارشکن در قانون جرم انگاری شده است مثلاً اگر کسی شیشه ماشین کسی را با سنگ بزند و بشکند یا حیوانی کسی را با تیر بزند از بین ببرد اینها افعال زیان آور است، عرف و قانون فاعل مباشر یا سبب مسئول را ضامن می‌داند؛ چون عرف چنین اعمالی را زیان بار و خلاف هنجارهای اجتماعی می‌داند، اما در انتقال ویروس کرونا فعل زیان بار معنا و مفهوم روشن و دقیقی ندارد؛ زیرا تاکنون از طرف کدام مرجع قانون گذاری تعریف خاصی از اعمال و رفتار زیان بار فرد مبتلا به

کرونا ارائه نشده یا عرف افعال زیان بار فرد مبتلا به ویروس کرونا را احصاء ننموده است که این افعال زیان بار است، تا مردم بدانند که چه نوع رفتار و فعلی از نظر اخلاقی مورد ملامت وجدان و عرف است و قانون چه نوع فعلی را از فرد مبتلا به ویروس کرونا را جرم دانسته و ارتکاب آن را نوعی هنجار شکنی و مسئولیت آور دانسته است.

ب. جریان اصل برائت به خاطر خلاف قانون نبودن رفتار فرد مبتلا به کرونا

نه تنها برخی از رفتار و افعالی که افراد مبتلا به ویروس کرونا انجام می‌دهند، از نظر فرهنگ عمومی رایج در جامعه زیان بار نیست، بلکه این گونه رفتار عادی و متعارف است و یکی از حقوق اساسی و آزادی‌های شهروندی است، مثلاً رفت و آمد و دید بازدید و دست دادن و روبوسی با دوستان و آشنایان و یا عطسه نمودن در یک جلسه و یا مشارکت در یک مجلس و... بیرون رفتن جهت خرید و تأمین نیازهای روز مره زندگی و... همه از حقوق اساسی و جزء امور عادی و روز مره زندگی انسانی و شهروندی است. هیچ نهاد یا افرادی حق ندارند بدون موجب شهروندان را از انجام اعمال و رفتار عادی مباح منع نموده، برای‌شان محدودیت اعمال نماید. اگر از دیدگاه حقوق کیفری به قضیه نگاه کنیم موضوع دشوارتر می‌شود؛ زیرا از نظر حقوق جزا عملی جرم است که در قانون جرم انگاری شده باشد. بنابراین انتقال ویروس کرونا در صورتی جرم تلقی گردیده و برای آن مجازات تعیین می‌گردد که اولاً به موجب نص قانونی، با رفتار عادی جرم تلقی شده باشد، زیرا در مقام شک به جرم بودن یا جرم نبودن عملی باید به مرجع تشخیص آن یعنی قانون‌گذار مراجعه نمود. در صورت شک به جرم بودن یا نبودن عملی مطابق ماده «۱۲۰» قانون مجازات اسلامی اصل برائت جاری می‌گردد؛ زیرا در حدوث هر پدیده‌ای اگر شک کنیم اصل عدم جاری می‌گردد از جمله در مسأله انتقال ویروس کرونا نیازمند نص قانونی و فقهی هستیم. در صورت فقدان نص قانونی یا اجمال آن مجرای اصل برائت می‌باشد. پروتکل‌های وزارت بهداشت و توصیه‌های آنها جنبه ارشادی دارد نه الزامی، وزارت بهداشت با صدور توصیه نامه مردم را ارشاد و رهنمایی می‌کند که در این شرایط چه کاری انجام دهند و یا ندهند.

ج. مخالفت با دستورالعمل وزارت بهداشت به مثابه نقض قانون

در مقابل دیدگاه قبلی برخی بر این عقیده اند که در موضوع بیماری کرونا وظیفه حفظ سلامت مردم تا حدود زیادی بر عهده دولت است. دولت باید ضمن تدوین و ابلاغ شیوه‌نامه‌های بهداشتی، تدابیری برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا بیاندیشد. به همین جهت در جمهوری اسلامی برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا، ستاد ملی مقابله با این بیماری تشکیل شد و دستورالعمل‌ها و مصوباتی را تصویب و صادر نمود که همه آن‌ها در حکم قانون است. دولت مصوبات ستاد مقابله با کرونا را به سند تبدیل نموده و در واقع این ستاد شخصیت حقوقی داشته و مصوبات آن از اعتبار لازم برخوردار است (و از آن جمله می‌توان به الزامی شدن استفاده از ماسک در مکان‌های عمومی و ادارات، اعمال محدودیت‌های خاص مانند کاهش ساعات فعالیت مشاغل، دور کاری کارمندان، تعطیلی اماکن پرخطر و... اشاره کرد).

نکته قابل توجه اینکه ستاد ملی مبارزه با کرونا در راستای قانون مدیریت خدمات کشوری تأسیس شده و در موارد فوریتی ملزم به ورود و مقابله موثر است، بر همین اساس، سیاست‌گذاری‌های ستاد ملی مقابله با شیوع ویروس کرونا هم‌طراز قانون است با توجه به اینکه رفتار یا اعمال فرد مبتلا به کرونا از طرف قانون‌گذار جرم انگاری نشده و با توجه به اینکه اصل اولی در اعمال و رفتار اباحه است و در مقام شک اصل برائت جاری می‌شود، ولی باید این موضوع را در نظر داشت که در موضوع کرونا جان انسان‌ها در خطر است برای حفظ سلامت جان انسان‌ها هیچ‌گونه تسامح و تساهلی قابل پذیرش نیست. ستاد مقابله با کرونا و وزارت بهداشت پروتکل‌ها و دستورالعمل‌های لازم‌الاجرا برای همه صادر نموده و همگان را به رعایت آن توصیه نموده است. بنابراین، تخلف از آن‌ها نوعی هنجار شکنی و زیر پا گذاشتن قانون به حساب می‌آید. پس رفتار فرد مبتلا برخلاف دستور و توصیه وزارت بهداشت قانون شکنی و جرم تلقی شده، مرتکب به مسئولیت کیفری و مدنی محکوم می‌گردد.

در ارتباط با زیان بار بودن و یا نبودن فعل، نباید به ماهیت مباح بودن فعل و رفتار حامل ویروس کرونا نگاه کرد، در مسئولیت کیفری این اشکالات درست است، اما در مسئولیت مدنی نوع و ماهیت فعل رکن روانی و رکن قانونی شرط نیست، بلکه ارکان سه‌گانه ضرر و فعل زیار بار و رابطه سببیت اگر تکمیل باشد، مسئولیت مدنی محقق می‌شود. بنابراین، ملاک در مسئولیت مدنی

تحقق ضرر است. اینجا فعل با عنوان اولیه ملاحظه نمی‌شود با عنوان ثانویه یعنی ضرر به دیگری حرمت پیدا می‌کند. اگر به عرف مراجعه نماییم، امروزه عرف حکم می‌کند که فرد مبتلا به ویروس کرونا نباید در تجمعات حاضر شود باید قرنطین را رعایت نماید؛ چون اگر قطعاً ضرر نداشته باشد گمان ضرر پس باید از حضور در اجتماع خود داری نماید چنانچه یکی از فقیهان در این باره می‌فرماید: «ذهب اکثر من الفقهاء، أو الکثیر منهم إلی أن الضرر الدنیوی یجب دفعه إذا کان مقطوعاً أو مظنوناً، أما المحتمل فلا یجب دفعه و الامتناع عنه، و الحق أن کل ما یعد فعله ضرراً و تهلكة فی نظر العرف فهو حرام، حتی و لو کان محتملاً، فضابط التحريم أن لا یكون الفاعل فی أمن من الضرر عند العقلاء» (مغنیه، ۱۴۲۱، ۳۴۶)

شیوه‌های انتقال ویروس کرونا از فرد مبتلا به یک فرد سالم

تاکنون دیدگاه واحدی از طرف سازمان بهداشت جهانی و وزارت صحت ایران در مورد راه‌های دقیق انتقال ویروس کرونا از انسانی به انسان دیگر، منتشر نشده است، گرچند برخی موارد را به عنوان راه‌های انتقال معرفی کرده اند، ولی راه‌های دقیق انتقال ویروس از یک فرد به دیگری یا از یک سطح به فرد دیگر و همچنین مدت زمان زنده ماندن آن در سطوح مختلف دقیقاً بیان نشده است. به طور کلی انتقال ویروس از یک فرد به افراد دیگر با توجه به اظهار نظرهای پزشکان سازمان بهداشت جهانی و وزارت بهداشت ایران فرض‌ها و حالت‌های مختلفی را می‌توان تصور کرد که فرد منتقل کننده ویروس کرونا داشته باشد و ممکن است از این طرق ویروس به افراد دیگر منتقل شود که هر کدام از فروض قطعاً حکم جداگانه دارد:

الف اینکه شخصی حامل ویروس کرونا است، ولی هیچگونه علایم ابتلا به بیماری کرونا را ندارد و احساس تب و دردهم ندارد کاملاً سالم به نظر می‌رسد و اطمینان به سلامت خود دارد و در اماکن عمومی رفت و آمد دارد رفتارش با همه عادی است دست می‌دهد رو بوسی می‌کند، ماسک نمی‌زند و پروتکل‌های بهداشتی مورد نظر ستاد مقابله با ویروس کرونا را رعایت نمی‌کند. خلاصه اینکه علم به ابتلا خودش به ویروس کرونا ندارد، ولی در واقع حامل ویروس است و در نتیجه ارتباط او با افرادی آنها را به ویروس کرونا آلوده می‌سازد

ب. اینکه شخص احساس می‌کند که مبتلا به ویروس کرونا شده است، علایم و آثار بیماری و احساس درد و تب و لرز دارد؛ ولی به توصیه‌های وزارت بهداشت که افراد مبتلا به ویروس کرونا باید در قرنطین باشند هم ترتیب اثر نمی‌دهد، در خانه نمی‌ماند و هر جا دلش بخواهد می‌رود؛ یعنی هیچگونه نکات ایمنی و بهداشتی از قبیل ماسک زدن و فاصله اجتماعی را رعایت نمی‌کند. در این حالت نیز افرادی در نتیجه ارتباط و تماس با این شخص مبتلا به کرونا می‌شوند.

ج. اینکه کسی مبتلا به ویروس کرونا شده و آزمایش داده و نتیجه آزمایش هم مثبت بوده و از طرف مراکز بهداشتی هم توصیه شده است که باید قرنطین را رعایت نماید، ولی فرد مبتلا بدون توجه به هشدارها و توصیه‌ها از روی بی‌مبالاتی و سهل انگاری قرنطین را رعایت نمی‌کند، و با افراد مختلف رفت و آمد دارد، موجب انتشار و انتقال ویروس می‌گردد.

د. اینکه شخصی مبتلا به کرونا شده و آزمایش داده مثبت بوده که مبتلا به ویروس کرونا است و احتیاط لازم را هم رعایت می‌کند و به توصیه‌های بهداشتی نیز توجه نموده است، ولی گاهی برای رفع ضروریات زندگی یا مراجعه به دکتر و دارو خانه و مانند آن با پوشیدن ماسک و رعایت فاصله اجتماعی می‌رود، ولی گاهی سهواً و بدون توجه به اشیاء و سطوحی مانند میز یک اداره یا دستگیره دروازه مطب دکتر یا کلید آسانسور که همگان با آن ارتباط برقرار می‌سازند ناخود آگاه به اشیایی یاد شده دست می‌زند و آنها را آلوده می‌سازد، بعد از آن افرادی دیگری به همان سطوح آلوده دست می‌زنند و مبتلا به کرونا می‌شوند.

ه. اینکه کسی با علم به ابتلا به ویروس کرونا، عمداً و قصداً با افرادی مخصوصی که با آنان دشمنی شخصی دارد، به نحوی می‌خواهد آنان و خانواده‌شان را به کرونا مبتلا سازد به نحوی ویروس کرونا را به آنان منتقل می‌سازد، مثلاً با دست دادند و یا رو در رو بدون ماسک بدون رعایت فاصله با آنها صحبت می‌کند و هدفش آلوده ساختن آنان به ویروس کروناست. در نهایت ویروس کرونا از این طریق به طرف مقابل منتقل می‌شود. در این فرض انتقال ویروس کرونا، عامدانه و مجرمانه بوده و انتقال ارادی در قالب فعل مثبت مادی محقق شده است.

و. فرض دیگر، در باره انتقال ویروس کرونا این است که افرادی به خاطر اهداف و اغراض سیاسی یا اقتصادی و به خاطر برهم زدن نظم سیاسی و یا نظم اقتصادی ویروس کرونا را وارد یک کشور یا منطقه می نمایند، تا مردم یک ساحه یا منطقه و یا یک کشور را آلوده نمایند و در نتیجه آلودگی آسیب جسمی و صدمه و خسارت مالی ببینند.

چند فرض قابل پیش بینی بود که ذکر شد، شاید حالات دیگری نیز قابل تصور باشد.

شرایط تحقق مسئولیت کیفری ومدنی انتقال دهنده ویروس کرونا

پرسش این است که از نظر فقهی و حقوقی حکم این حالات چیست و کدامیک از صور یاد شده مسئولیت مدنی دارد و کدامیک مسئولیت کیفری و مدنی را با هم دارد و در کدام حالت حامل ویروس کرونا هیچگونه مسئولیتی ندارد؟ دیدگاه فقیهان گذشته و معاصر اسلامی و همچنین حکم قانون ایران نسبت به امراض واگیر به صورت عام و ویروس کرونابه صورت خاص چیست؟ اگر به صورت استدلالی و مستند به قانون و فقه حکم همه حالات یاد شده را به دست آوریم، باید از قانون و فقه مستنداتی به دست آوریم که سبب طولانی شدن متن شده ما را از مقصد دور خواهد نمود. بهتر است فرض یاد شده براساس وجوه اشتراکی که دارند دسته بندی شود سپس حکم هر بخش روشن می شود. اقسام یاد شده را در چهار بخش می توان تقسیم بندی کرد:

یک حالت اینکه شخص علم به کرونا ندارد، حالت دوم اینکه شخص مبتلا به ویروس شده است و خودش هم علم به آن دارد، ولی در هر دو حالت غفلت، سهل انگاری و بی توجهی به توصیه ها و نکات بهداشتی شده است. حالت سوم، اینکه با علم به بیمار بودن، پروتکل ها و نکات بهداشتی را نیز رعایت می کند، ولی به صورت غیر ارادی سبب ابتلای دیگران می شود. حالت دیگر این که شخص مبتلا به کرونا براساس دشمنی یا اغراض سیاسی با علم و قصد دیگران را آلوده به کرونا می سازد.

حکم کلی، مطابق مقررات حقوقی مسئولیت مدنی ضرر و زبانی که از طریق کسی به دیگری وارد می شود چه به صورت مباشر باشد یا غیرمباشر، چه علم داشته باشد یا نداشته باشد، در هر حالت مسئولیت مدنی به وجود می آید. در حقوق جزا رکن روانی علم و قصد شرط تحقق مسئولیت کیفری است، به این معنا که اگر فردی با علم و اراده و قصد کار زیان باری انجام دهد و به کسی ضرری وارد سازد، مسئولیت کیفری دارد، اما در مسئولیت مدنی علم و قصد شرط نیست، بلکه نفس تحقق زیان مسئولیت آور است با هر حالت روانی که شخص ضرر وارد کرده باشد مسئولیت مدنی به وجود می آید، حتی اگر کسی در عالم خواب یا جنون و یا صغر سن به دیگری ضرر بزند مسئول است، موجب ضمان می شود. (بهرامی، ۱۳۹۱، ۷۱) پس در سه حالت چه زیان رساننده علم داشته باشد و یا نداشته باشد در اثر بی احتیاطی، بی مبالاتی عدم رعایت نظامات دولتی مرتکب قتل خطا شده است بایستی دیه پرداخت نماید (ماده ۱ مسولیت مدنی) مسئولیت مدنی محقق است و انتقال دهنده باید خسارت وارده را جبران نماید، اما در حالتی که شخص مبتلا با علم و قصد عمدا ویروس را به کسی منتقل می سازد، تا او را بیمار بسازد. در این صورت که قربانی در اثر انتقال عمدی ویروس مریض شود و بمیرد، انتقال دهنده مرتکب قتل عمد مستلزم قصاص شده است، مسئولیت مدنی نیز دارد.

الف. مستندات فقهی مسئولیت مدنی ناشی از کرونا

بحث ضمان و جبران خسارات حاصله از شیوع ویروس کرونا یکی از مباحث جدید است فقها هر نوع سرپیچی از دستورات پزشکان را جایز ندانسته گفته اند چنانچه شخصی بداند شخصا یا از طریق اخطار کارشناسان مربوط احتمال عقلایی بدهد که حضور یا شرکت در جلسه ای یا ملاقات با فرد یا افرادی موجب اضرار به آن ها می شود، شرعا واجب است که مطلقا اجتناب کند و در صورت تخلف چنانچه ثابت شود که تماس او موجب اضرار شده و بیماری وی سرایت به دیگران کرده، در فرض اقدام عمدی موجب مسئولیت کیفری و ضامن کلیه خسارات وارده به زیان دیده خواهد بود و در صورت غیر عمد ضامن کلیه خسارات وارده و اگر موجب فوت شده ضامن دیه برعهده اوست. فتاوی تعدادی از مراجع معاصر در خصوص موضوع کرونا در دو دسته قرار داده شده است:

۱. لزوم رعایت اصول بهداشتی و توصیه های وزارت بهداشت از طرف مردم

همه مراجع تقلید شیعه به مردم توصیه اکید نموده اند که به دستورالعمل های پزشکان ترتیب اثر بدهند. رعایت اصول بهداشتی لازم است و باید مردم به توصیه های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی توجه کامل داشته باشند (آیت الله صافی)؛ نظر

پزشکان و مسئولان بهداشتی و درمانی کشور در مورد ویروس کرونا برای ما حجت است (آیت الله مکارم شیرازی) یکی دیگر از مراجع گفته است بر همگان لازم شرعی و عقلی است که از حضور در اماکن و مجامع عمومی و مذهبی خودداری نمایند (آیت الله صانعی) عمل به توصیه آن‌ها واجب شرعی بوده و تخلف از آن مشروع نیست (آیت الله بیات زنجانی) پای بندی کامل به توصیه‌های وزارت بهداشت جهت حفظ جان و کشور خود شرعا عقلا واجب است (آیت الله فیاض)

۱. لزوم جبران خسارت جانی و مالی زیان دیدگان کرونا از طرف انتقال دهنده ویروس

در مورد جبران خسارت و زیان ناشی از انتقال ویروس کرونا برخی از مراجع حکم نموده‌اند که منتقل کننده ویروس مسئولیت مدنی دارد. در اینجا نظر تعدادی از مراجع ذکر می‌شود:

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی، در بخش سوالات شرعی این مرجع تقلید، این سوال مطرح شده است که چنانچه بر اثر سهل انگاری افراد مبتلا به بیماری‌های واگیر و عدم توجه به رعایت بهداشت، این بیماری به دیگران سرایت کند و موجب بروز خسارت گردد، آیا ضامن هستند؟ در پاسخ به این سوال آمده است: در صورتی که این کار سبب ابتلا به بیماری خطرناک منتهی به مرگ می‌شود دیه تعلق می‌گیرد و آن‌کس که باعث شده باید دیه را بپردازد و اگر فقط هزینه درمانی سنگینی دارد آن‌را باید بپردازد.

از آیت الله سیستانی، نیز استفتا شده است. آیا جایز است شخص مبتلا به بیماری که برخی از علائم احتمالی در او وجود دارد، با افرادی که از وضعیت او آگاهی ندارند، اختلاط کند؟ و اگر دست به چنین کاری زد و ویروس به آنها منتقل شد، مسئولیت چنین فردی در قبال افرادی که به واسطه او مبتلا شده اند، چیست؟ پاسخ: اختلاط چنین فردی با دیگران جایز نیست؛ زیرا احتمال انتقال ویروس به آنها وجود دارد و اگر چنین کاری را انجام دهد و باعث ابتلای دیگری شود که از حالش اطلاعی نداشته، ضامن ضرر وارده به آن فرد می‌باشد و اگر بر اثر ابتلا به این بیماری بمیرد، دیه بر او لازم می‌شود.

مستندات قانونی ایران در مسئولیت مدنی ناشی از انتقال ویروس کرونا

با توجه به اینکه بیماری ویروس کرونا و شیوه انتقال آن یک پدیده جدید است و تا کنون در قانون مسئولیت مدنی ایران مورد توجه قانون‌گذاران قرار نگرفته است، ولی در مواردی که نص خاص وجود نداشته باشد مطابق اصول کلی مسئولیت مدنی در مورد مسئولیت مدنی انتقال دهندگان ویروس کرونا تعیین تکلیف نمود. گرچند در حقوق ایران با خلاء قانونی مکتوب در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از انتقال ویروس کرونا به دیگران مواجه نیستیم؛ زیرا در این خصوص قانون «طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزی و بیماری‌های واگیر» مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰ را داریم تا کنون صراحتا یا ضمنا این قانون توسط هیچ قانونی نسخ نشده است و هیچ قانونی با موضوع مشابه نیز جایگزین آن نگردیده است. گرچند قانون مزبور قدیمی است، ولی باید توجه داشت که عنوان کلی بیماری‌های واگیر در این قانون، پیش بینی شده و حکم آنها بیان گردیده است. گرچند مصادیق جدید پدیدار شده باشد، قانون یاد شده در شرایط فعلی قابلیت اجرا داشته و شامل هرگونه مورد جدید نیز می‌شود. سه تا حکم صریح در این قانون وجود دارد که می‌تواند در ما نحن فیه مورد استناد قرار گیرد:

۱. در ماده ۲۲ این قانون آمده است: «اشخاصی که مانع اجرای مقررات بهداشتی می‌شوند یا در اثر غفلت باعث انتشار یکی از بیماری‌های واگیر شوند به هشت روز تا دو ماه حبس تأدیبی و ۵۱ تا ۵۰۰ ریال جزای نقدی یا به یکی از این دو کیفر محکوم خواهند شد.»

گرچند مجازات پیش بینی در شرایط فعلی خیلی ناچیز است، ولی می‌توان مجازات تعیین شده نقدی را براساس شاخص تورم و نرخ روز محاسبه نمود. چنانچه در رابطه با میزان جزای نقدی پیش بینی شده در این ماده قانونی نیز باید توجه شود که در ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسیده، ترتیباتی برای تعدیل میزان جزای نقدی بر اساس شاخص بانک مرکزی پیش بینی شده که البته مستلزم مصوبه هیأت وزیران است و اقداماتی در این خصوص نیز به انجام رسیده است.

۲. در ماده ۱۲ این قانون نیز آمده است: در صورتی که افرادی که مبتلا به بیماری واگیر باشند از درمان خودداری کنند نهادهای دولتی ایشان را به اجبار درمان می‌کند.

۳. در نهایت در صورتی که افراد با رها کردن وسائل مربوط به بیماری مانند ماسک و دستکش استفاده شده سلامت دیگر شهروندان را به مخاطره بیاندازند، کیفر ایشان در حد خلاف بوده و مطابق با قانون با این افراد برخورد خواهد شد.

در قانون یاد شده در چند مورد تکلیف انتقال دهندگان و کسانی که محیط را آلوده می‌سازند روشن ساخته است نتیجه اینکه: با توجه به احکام قانون‌گذار که در طول چند دهه قانون‌گذاری در این خصوص مورد تأکید بوده است، عدم رعایت مقررات بهداشتی و ضوابط تعیین شده از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص مبارزه با بیماری کرونا اولاً؛ موجب ایجاد مسئولیت کیفری برای افراد شده و می‌تواند مجازات حبس را در پی داشته باشد. ثانیاً؛ از نظر مسئولیت مدنی و دیه نیز مستلزم پرداخت خسارات و دیه بوده و می‌تواند در فروض خاص، حتی شرایط قصاص را هم فراهم کند.

در ارتکاب این جرم قصد و عمد هم شرط نیست، برای تحقق جرم انتقال ویروس کرونا غفلت هم کافی است که منظور از غفلت، بی‌احتیاطی است و این فرد باید مجازات شود؛ به عنوان مثال فرد مبتلا به کرونا فرد دیگر را مستقیماً به قتل رسانده اما سبب شده و با هم‌نشینی و عطسه و سرفه باعث بیمار شدن فرد دیگر شده است. در کل تقصیر موجب مسئولیت می‌شود فردی که مبتلا به کرونا شده و باعث تلف شدن دیگری شده و به او آسیب رسانده، ضامن است و باید جبران خسارت کند؛ انجام ندادن عملی که فرد ملزم به انجام آن بوده یا ارتکاب عملی که از آن منع شده است همان تقصیر است.

علاوه بر آن در ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که در آن گفته شده هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دام، ریختن مواد سموم کننده در رودخانه، زباله در خیابان، کشتار غیرمجاز دام و دیگر مسائل ممنوع است و مرتکبین طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

آنچه از حکم قانون خاص و قانون عام به دست می‌آید این است که اگر کسی عمداً دیگران را آلوده به ویروس کرونا نماید و سبب مرگ شود مرتکب قتل عمد شده است، اگر با علم و عمد سبب مرگ نشده ولی به هشدارها و اعلام نهادهای مسئول توجه نداشته باشد، براساس ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی مشمول مجازات می‌شود، همچنین مسئولیت مدنی نیز دارد.

نقش زیان دیدگان ویروس کرونا در ایجاد ضرر

یکی از مباحث قابل طرح در انتشار ویروس کرونا، نقش خود مردم است که تا چه حد در انتشار این ویروس نقش داشته اند. در گذشته همه توجهات قانون‌گذاران و مجریان قانون به بزه کار بود که دستگیر و مجازات شود و به چنگ قانون سپرده شود، ولی امروزه زیان دیدگان نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرند که بسا ممکن است خود زیان دیده در ایجاد زیان نقش داشته باشد. مطالعه نقش بزه‌دیده، به عنوان یکی از کنش‌گران اصلی ارتکاب عمل مجرمانه می‌تواند موجب درک بهتر و تحلیل قوی‌تر فرآیند ارتکاب جرم شود و زمینه را برای اجرای عدالت شود، فراهم کند.

بزه دیده به عنوان فردی که می‌تواند با اعمال و گفتار تحریک‌آمیز خود سبب جنایت شود و در واقع از او به عنوان یک وضعیت پیش جنایی یا عامل محرک یاد کرد. به عبارت دیگر، در بزه دیده شناسی علمی به طور ضمنی فرض کوتاهی یا تقصیر بزه دیده در ارتکاب جرم مطالعه می‌شود، به طوری که فوئرباخ می‌گوید: «اگر در جرایم دقت شود، بزه دیده علت و منشأ هر چیزی است که بر سر او آمده و بزه دیده خود مقصر است». (سماواتی، ۱۳۸۵، ۸۳)

بنیامین مندلسون هم با مبنا قرار دادن ساز و کارهای بدون کنش متقابل در رابطه بزه کار و بزه دیده انواع نقش‌های بزه دیده را در رابطه مجرمانه به این شرح مطرح می‌کند: «بزه دیده کاملاً بی‌گناه؛ بزه دیده‌ای که به نوعی در شکل‌گیری بزه مشارکت دارد؛ بزه‌دیده‌ای که بیش از بزه‌کار مقصر است، مثل فرد بی‌احتیاطی که سبب بروز حادثه می‌شود؛ بزه‌دیده بزه‌کار؛ فردی که به دنبال کنشی بزه کارانه علیه دیگری به عنوان یک عامل محرک و تسهیل کننده موجبات تحقق جرم علیه خودش را فراهم می‌کند و قربانی جرم می‌شود.» (سلیمی و داوری، ۱۳۹۴، ۳۲۶)

درمورد آسیب دیدگان ویروس کرونا، باید گفت به همان اندازه که فرد مبتلا به ویروس کرونا بی احتیاطی و سهل انگاری کرده دستورالعمل‌های بهداشتی را نادیده گرفته خود مجنی علیه یا قربانی نیز در ابتلا به بیماری کرونا مقصر است و نقش داشته است؛ زیرا اینان نیز به توصیه‌های بهداشتی توجه نکرده و در مراکز تجمع و اماکنی که احتمال آلودگی به ویروس کرونا را دارد، بدون رعایت نکات بهداشتی حضور یافته در نهایت مبتلا به ویروس شده اند. به عقیده نگارنده مسئولیت مدنی زیان دیده و زیان رساننده هردو مساوی است؛ زیرا همان اندازه که فرد مبتلا به ویروس بی احتیاطی کرده و مقررات بهداشتی را رعایت نکرده به همان میزان زیان دیده نیز مقصر است؛ چون او زمینه را برای جذب ویروس برای خود فراهم نموده و در محیط آلوده بدون ماسک و رعایت فاصله حضور یافته و مبتلا شده است.

نتیجه اینکه همانگونه که گیرنده ویروس احتیاط لازم را رعایت نکرده انتقال دهنده نیز قوانین و مقررات را زیر پا گذاشته است. از طرفی هر نوع آلودگی به ویروس کرونا کشنده نیست، افراد زیادی مصاب به کرونا شده اند، ولی در مورد دوا و درمان خود تلاش نموده اند. در هر حال نقش زیان دیده نیز در فرآیند دادرسی و صدور حکم و جریان مطالبه خسارت و زیان باید مد نظر قرار داده شود.

در فقه اسلامی، این موضوع تحت عنوان قاعده «اقدام» مطرح شده است و در برخی از فروع مختلف فقهی که در باب دیات و موجبات ضمان وجود دارد، مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است. در فقه آمده است: «هرگاه شخصی (پیاده یا سواره) در محلی متوقف باشد و عابری (پیاده یا سواره) با او برخورد کند، و شخص متوقف زیان ببیند، اگر عامل زیان عمداً با او برخورد کرده باشد، ضامن است؛ خواه زیان دیده در معبر عام متوقف شده باشد، یا در معبر خاص متعلق به عامل زیان؛ اگر عامل زیان عمد نداشته باشد، ولی زیان دیده در معبر متعلق به عامل زیان متوقف شده باشد، خود او مسئول زیان وارد شده بر خودش است نه عامل زیان و اگر در معبر عام متوقف شده باشد، عامل زیان مسئول است»؛ (مدنی کاشانی، ۱۴۱۳، ۶۵)

۳. رابطه سببیت یا قابلیت استناد

تا بحال براساس مستندات حقوقی و فقهی ثابت شد که انتقال دهنده ویروس در هر وضعیتی که قرار داشته باشد، مسئولیت مدنی دارد و درجایی که بزه دیده در ایجاد زیان تقصیر داشته باشد، تشخیص آن برعهده قاضی است. حال بحث در باره رابطه سببیت که یکی از عناصر اساسی در مسئولیت مدنی است؛ یعنی باید بین ضرر وارده و تقصیر عرفاً رابطه‌ای وجود داشته باشد. این امر منطقی و معقول است که هیچ‌کس نباید مسئول زیانی که از فعل او ناشی نشده، باشد. به عبارت دیگر رابطه سببیت در مسئولیت مدنی، یکی از ارکان آن است. ثبوت این رابطه میان فعل همراه با خطا و زیان، شرط در مسئولیت شخص در جبران خسارت است (حسنی، ۱۳۸۵، ۲۷)

اهمیت و ضرورت رابطه سببیت بدان جهت است که در بسیاری موارد ضرر و زیانی به وجود می‌آید و فعل زیان باری نیز اتفاق افتاده، ولی به دلیل فقدان رابطه سببیت، موضوع مسئولیت منتفی می‌گردد. در ابتدا به دلیل اهمیت موضوع مقصود خود را از قابلیت استناد بیان نموده و مفهوم قابلیت استناد، بعد ملاک احراز قابلیت استناد بررسی گردد.

۱-۳. مفهوم استناد

استناد در لغت: مصدر باب افتعال از ریشه «سند» به معنای پشت به چیزی وا گذاشتن، تکیه کردن اعتماد کردن، پناه به کسی دادن و پناه به کسی بردن است (عبدالمعین، بی تا، ۱۶۲) استناد از ریشه سند است «کل مایستند الیه و یعتمد علیه من حائط أو غیره فهو سند» (همان/ ۲۹۲) هر چیزی که تکیه‌گاه و مورد اعتماد باشد به آن سند و یا استناد گفته می‌شود مانند دیوار و غیر آن. «ما استند الیه ای اعتماد علیه»؛ اطمینان داشت و اعتماد کرد (انطون الیاس، ۱۳۷۰، ۳۱۸) البته نسبت دادن یک کار یا یک سخن به کسی با عبارت باب افعال ذکر شده است مثلاً «أسند الیه الامر و الکلام» (همان، همان) کار یا سخنانی به او نسبت داده شد. قابلیت به معنای توانایی و شایستگی است که آیا این زیان وارده سزاوار استناد به عامل زیان را دارد یا نه؟ مقصود از قابلیت استناد، قابلیت استناد زیان به عامل زیان است. بدین معنی که هرگاه زیانی پدید می‌آید، مسئولیت جبران خسارت برعهده کسی است که این زیان مستند به عمل (فعل یا ترک فعل) او باشد. این قابلیت استناد، مبتنی بر رابطه سببیت عرفی است. در حقوق

مسئولیت مدنی، مفهوم فلسفی از رابطه سببیت، یا معنای رایج آن در علوم دیگر مد نظر نیست؛ بلکه منظور مفهومی است که عرف از آن در می‌یابد. (یزدانیان، ۱۳۸۶، ۲۶۰)

بنابراین، در قابلیت استناد، آنگاه که به نظریه قابلیت استناد به عنوان یک مبنا در مسئولیت مدنی می‌نگریم، به دنبال بیان این مطلب هستیم که هرگاه خسارتی به بار می‌آید، مسئول جبران خسارت کسی است، که این خسارت مستند به او باشد. رابطه سببیت بین زیان و فعل زیان بار (نه عامل زیان) به عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی و یکی از شرایط تحقق مسئولیت است.

۱-۳- مفهوم استناد در فقه

استناد در اصطلاح شرعی یعنی نسبت دادن حکم یک موضوع به شارع، وقتی گفته می‌شود که حکم این قضیه با استناد به روایت نبوی به دست آمده معنایش این است که حکم آن موضوع در روایت بیان شده است و یا در موارد زیادی بحث استناد در اصول و فقه مطرح شده است. به صورت یک قاعده کلی اینکه در شریعت اسلام حکم بدون استناد به آیه، روایت، اجماع و یا قواعد فقهی و منابع معتبر دینی ارزش ندارد. در ادبیات فقهی رایج از عبارت مانند «مستند هذا الحكم»، «استناداً إلى الأصل» و «استناداً إلى عده الروایات» استفاده می‌شود. در فقه و متون کتب روایی از کلمه استناد زیاد استفاده شده و برای جواز، منع یا اباحه و یا کراهت یک حکم یا عملی به آیه یا روایت یا قاعده فقهی استناد می‌نمایند. در اصول کافی درموردی زیادی کلمه استناد به کار رفته که از یک صفحه چهار نمونه ذکر می‌شود: «وجماعه استناداً إلى حسنة زرارة... استناداً إلى رواية أبي ولاد... استناداً إلى رواية الوشاء عن الرضا عليه السلام... استناداً إلى هذا الخبر» (کلینی، ۱۴۲۹، ۲۹۴)

در برخی از منابع فقهی آمده است که معامله فضولی به این خاطر صحیح نیست که فاقد دو چیز است یکی استناد به مالک و دیگری رضایت: «حاصله ان الفضولی فاقد لأمرین و هما الاستناد إلى المالك و الرضا»؛ (نائینی، ۱۴۱۳ هـ ق، ۴۶۴) در فقه بحث استناد خیلی مهم است صحت معامله اثبات مجرمیت شخصی یا ضامن بودن در جبران خسارت اصل استناد معتبر است.

عبارت قابل که در اصطلاح فقهی به معنای قبول کردن در مقابل ایجاب است کار برد زیاد در متون فقهی دارد، در متون فقهی صحت استناد و اعتبار آن را داریم، اما «قابلیت» در متون فقهی نیامده؛ چون قابلیت مصدر جعلی است و در متون فارسی به کار رفته و در معانی مختلفی استعمال شده است. در بسیاری از منابع فقهی و تفسیری قابلیت به معنای اهلیت ذکر شده است (جرجانی، ۱۴۰۴، ۶۲۲؛ عاملی، ۱۴۲۹، ۸۰۴؛ نراقی، ۱۴۲۵، ۳۵؛ وحید بهبهانی، ۱۳۱۰، ۱۷) در برخی منابع قابلیت به معنای توان و سزاواری آمده است در کنزالقران آمده است «سفیه»، قابلیت تملک را ندارد، یا شرط صحت رهن قابلیت مرهون است (حلی، بی تا، ۱۹؛ گیلانی، ۱۴۱۳)

در برخی از منابع فقهی قابلیت به معنای استعداد آمده است، در قانون مدنی ایران یکی از شرایط صحت ازدواج قابلیت صحت است منظور از قابلیت صحت برای ازدواج دارا بودن استعداد جسمانی هر یک از زن و شوهر آینده برای روابط جنسی و عواقب مترتب بر آن می‌باشد (امامی، ۲۷۸).

در بعضی جاها عبارت قابلیت به معنای شایستگی آمده است: عدم صحت و قابلیت و لیاقت غیر امام امامیه از برای امامت زمین و زمان یا در برخی عبارات قابلیت به معنای استعداد و ظرفیت آمده است: توجه به قابلیت و شایستگی فقه شیعه برای تحول و تکامل (لاری، ۱۴۱۸، ۱۶۷؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ۲۶)

پس عبارت قابلیت که یک مصدر جعلی است در متن عربی فقه نیامده است، ولی در متون فارسی به معنای شایستگی، استعداد، توانایی، ظرفیت، قابل پذیرش، مناسب و سزاواری به کار رفته است و مقصود این است که این ضرر و زیان سزاوار یا مناسب استناد باشد و صحت استناد به عامل زیان را داشته باشد. یعنی نتیجه حاصل شده از نظر عرف قابلیت و شایستگی استناد به شخصی زیان رساننده را داشته باشد.

یکی از فقیهان در باره استناد و معیار صدق عرفی مباحثی دقیقی مطرح نموده است: «فمتی صدق قتل العمد فی نظر العرف جاز القصاص، سواء أ كان القتل بالمباشرة، أو بالتسبیب، و معنی المباشرة أن یترتب القتل علی فعل القاتل مباشرة،

و من غیر واسطه شیء آخر، کالذبح و الخنق. أما التسبیب فهو أن يأتي المسبب بفعل يتولد منه شیء آخر يترتب عليه الموت، كمن حبس غيره، و منع عنه الطعام و الشراب، حتى مات جوعاً و عطشاً، فان الموت قد **استند** مباشرة إلى الجوع و العطش، و هما قد استندا إلى الحبس، فيكون الحابس هو المسبب للقتل، و بالتالي يصدق عليه أنه عامد. (مغنيه، ۱۴۲۱، ۳۰۹)

زمانی که در نظر عرف قتل عمد صدق نماید، قصاص جایز است چه قاتل مباشر قتل باشد یا سبب قتل. مباشرت به این معناست که قتل بر فعل قاتل مترتب گردد مانند خفه کردن یا بریدن گلوی کسی. اما تسبیب آنست که فعل در نتیجه چیزی دیگری مترتب گردد مانند اینکه کسی را حبس کند و از خوردن و آشامیدن منع نماید تا اینکه بمیرد، در این صورت مرگ مستند به گرسنگی و تشنگی است و آن دوتا نیز مستند به حبس است پس حابس مسبب قتل است و در نتیجه بر او قتل عمد صدق می کند.

برخی فقها در بیان مبنای مسئولیت سبب و مباشر چنین گفته اند که اگر فعل مستند به سبب باشد، پس سبب ضامن است و اگر فعل مستند به مباشر باشد، مباشر ضامن است. (خوانساری، ۱۴۱۸، ۱۷۳)

برخی دیگر از فقها نیز در بیان مسئولیت در بحث از سبب و مباشر، معیار قابلیت استناد را مورد توجه قرار می دهند و عقیده دارند: «تحقیقاً ضمان بر عهده مباشری است که فعل مستند به او باشد» (نجفی، ۱۳۶۷، ۵۵)

اینجا استناد به مباشر قابلیت دارد و مناسب است برخی دیگر نیز در بحث از اتلاف، اظهار داشته اند که عناوین مباشرت و تسبیب اهمیتی در مسئولیت ندارد، بلکه آن چه اهمیت دارد، احراز این مطلب است که آیا می توان عامل زیان را صرف نظر از اینکه نحوه مداخله او بالمباشره بوده یا بالتسبیب، متلف دانست؛ یا به عبارت دیگر عرفاً عنوان متلف بر او صدق می نماید یا خیر؟ (حسینی المرآی، ۱۴۱۷، ۴۳۵) این سخن عبارت اخیری نظریه «قابلیت استناد» است.

برخی از فقهای معاصر نیز قابلیت استناد را به عنوان مبنای مسئولیت مدنی پذیرفته اند. ایشان عقیده دارند، «هر گاه معلمی به طفلی شنا آموزش دهد و طفل اتفاقاً غرق شود، اگر غرق مستند به فعل معلم باشد، معلم ضامن است.» (خوئی، ۱۳۹۶، ۲۴۲) از این سخن به خوبی روشن می شود که مبنای مسئولیت، تقصیر مربی نیست، بلکه مهم آن است که غرق شدن طفل را بتوان به او مستند نمود.

خلاصه اینکه استناد در فقه مبنای اصلی مسئولیت است، مباشرت و تسبیب نقشی در مسئولیت مدنی ندارد، بلکه باید ثابت شود که نتیجه به چه کسی قابل استناد است به مباشر یا سبب به هر کدام که قابلیت استناد را داشته باشد همان کس ضامن است.

۲-۱-۳. استناد در حقوق

در متون حقوقی نیز اصل استناد مورد توجه حقوق دانان قرار گرفته است. یکی دیگر از نظریه هایی که می تواند مبنای مسئولیت قرار گیرد، استناد عرفی انجام یک فعل به شخص مسئول است. به استناد این نظریه، مبنای مسئولیت شخص به جبران ضرر وارده به دیگری، استناد عرفی عمل زیان بار به او است، زیرا اصل پاسخگو بودن اشخاص در قبال عملکرد خود، یک اصل مسلم عقلایی و عرفی است، که قابل انکار یا مناقشه نیست.» (باریکلو، ۱۳۸۵، ۵۲)

نظریه قابلیت استناد، از سوی برخی اساتید برجسته حقوق چنین بیان شده است: «اساس مباحث ضمانات قانون مدنی ما، بر صرف انتساب اضرار به فاعل نهاده شده است، خواه عمد و بی احتیاطی و غفلت از او سرزده باشد، یا نه. این ضابطه دقیق تر از ضوابط اروپایی است و در زندگی ماشینی و پرمخاطره عصر ما متناسب تر است و مسلمانان باید به آن متکی باشند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۴۳۱) اگر به عرف نگاه کنیم قضاوت عرف این است که در قضایای روز مره زندگی کسی مسئول است که فعل به او منتسب باشد به عنوان مثال اگر کسی، به رغم رعایت دقت های لازم، شکاری را هدف و نشانه بگیرد و گلوله وی به گوسفندی اصابت و آن را از بین ببرد، شکارچی در برابر صاحب گوسفند، مسئول و ضامن خواهد بود؛ زیرا عمل مزبور و هلاکت گوسفند قابل انتساب به شکارچی است. اگر چه قصد اتلاف و اضرار در میان نبوده باشد.

درجنایت ناشی از انتقال کرونا نیز دادگاه باید اثبات نماید که جنایت مستند به رفتار متهم است، اثبات استناد از امور شکلی است که در مقام دادرسی باید احراز گردد. ماده «۵۲۹» قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «دادگاه مکلف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.»

چنانچه ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله، مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود»

در این ماده آنچه مبنای مسئولیت کیفری شناخته می‌شود استناد است مباشرت، تسبیب و اجتماع سبب و مباشر اجتماع مباشران، اجتماع اسباب متعدد اعم از عرضی و طولی موضوعیت ندارد. گاهی استناد به سبب است گاهی به مباشر، ممکن است استناد به سبب و مباشر باهم باشد. تعیین عامل ضمان و شخص مسئول در تمام موارد تعدد عوامل و اسباب مشکل است از جمله در مسأله انتقال ویروس کرونا تعیین عامل ضمان و شخص مسئول در تعدد اسباب از مسائل پیچیده دانش فقه و حقوق است که صاحب نظران دیدگاه‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند؛ در مورد

نظریه تقسیم مسئولیت با توجه به میزان تأثیر عاملین زیان در بروز خسارت، که به عقیده برخی حقوق دانان، قابل استنباط از ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی نیز می‌باشد (یزدانیان، ۴۱۴) به نحوی با نظریه قابلیت استناد پیوند دارد، حتی برخی از حقوق دانان فرانسوی نیز عقیده دارند، مفهوم تقصیر در عرف برای بیان رابطه علیت میان فعل شخص و ضرر است؛ چنان که وقتی گفته می‌شود «تقصیر توست»، یعنی تو سبب اضرار هستی و حاوی هیچ گونه داوری ارزشی نسبت به شیوه رفتار نیست. کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۱۶۲)

در حقوق جزا رابطه سببیت، رکن مادی جرم است، چرا که این رابطه حلقه پیوند میان فعل و نتیجه جرم است بدان معنا که تحقق رکن مادی بر پایه سه عنصر «فعل»، «نتیجه» و «رابطه سببیت» میان این دو است؛ بنابراین، نقش رابطه سببیت، بیان سهم فعل در ایجاد نتیجه است (حسنی، ۱۳۸۵، ص ۲۷) به عبارت دیگر می‌توان گفت استناد از منظر فقه و حقوق عبارت است از: رابطه علیت میان رفتار و نتیجه طوری که رفتار متهم علت تامه یا جز اخیر علت تامه شمرده شود. اگر رفتار متهم نبود نتیجه واقع نمی‌شد، یا به طریقی دیگر واقع می‌شد.

خلاصه اینکه بر اساس نظریه قابلیت استناد، هرکس مسئول جبران خسارتی است که قابل استناد به او باشد و تفاوتی نمی‌کند، این خسارت در نتیجه نقض تعهدات قراردادی باشد یا نقض تعهدات قانونی و یا حتی خسارت در نتیجه یک عمل مشروع، حاصل شده باشد.

۱-۲-۳. ملاک احراز قابلیت استناد

پرسش بسیار مهم این است که قابلیت استناد چگونه به دست می‌آید و ملاک احراز قابلیت استناد چیست؟ به عبارت دیگر، چه زمانی می‌توان زیان را مستند به فردی دانست و او را به عنوان مسئول جبران خسارت معرفی نمود؟ در احراز قابلیت استناد در اجتماع یا تعدد سبب و مباشر و... نظریات مختلفی مطرح شده است. احراز رابطه سببیت یک امر عرفی است، می‌تواند به عنوان ملاک اصلی و یک قاعده کلی در احراز قابلیت استناد مورد استفاده قرار گیرد.

در خصوص ملاک احراز رابطه سببیت در میان حقوق دانان، نظریات مختلفی مطرح شده است. از آنجا که قابلیت استناد ارتباط تنگاتنگی با رابطه سببیت دارد، می‌توان همان نظریات را در پاسخ به این سوال مطرح نمود. برای تشخیص رابطه سببیت می‌توان از دو معیار مثبت و منفی استفاده نمود. از دید معیار منفی برای این که حادثه‌ای سبب محسوب شود، باید آن حادثه در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد، یعنی احراز شود که بدون آن حادثه، ضرر واقع نمی‌شود. پس اگر ثابت شود که در صورت مواظبت کامل مقصر نیز، ضرر وارد می‌شد (یا هیچ امین و متصدی مواظبی نمی‌توانست از ضرر جلوگیری کند)، معلوم می‌شود که تقصیر خوانده سبب ورود خسارت نبوده است، چرا که رابطه منفی میان فعل او و ضرر وجود ندارد.

ولی از دید معیار مثبت، این که عمل خوانده شرط ضروری وقوع حادثه است، کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه بایستی بررسی گردد که آیا رابطه مؤثری بین بروز زیان و عامل مورد نظر وجود داشته یا خیر؟ به عنوان مثال هرگاه سه نفر اتومبیلی را هل دهند و اتومبیل

در دره سقوط نماید و نیروی دو نفر از آن‌ها برای سقوط اتومبیل کافی باشد، بر مبنای معیار منفی چون نیروی نفر سوم، شرط ضروری تحقق ضرر محسوب نمی‌شود، نبایستی او را مسئول دانست؛ حال آن که بر مبنای معیار مثبت چون رابطه مؤثر بین اقدام او و بروز زیان وجود داشته، بایستی او را مسئول دانست

الف. دیدگاه فقیهان در احراز رابطه سببیت

داوری عرف، در احراز رابطه سببیت را بسیاری از فقها نیز پذیرفته‌اند. برخی فقها عقیده دارند «بایستی معیار تشخیص مسئولیت را صدق عرفی [عنوان متلف بر عامل زیان قرار دهیم]، خواه عرف فقط مباشر را مسئول بداند، خواه هر دو را مسئول بداند، خواه فقط سبب را مسئول بداند.» (حسینی المراغی، پیشین، ۴۳۵) برخی دیگر از فقها نیز در بحث از اجتماع سبب و مباشر به همین ملاک توجه نموده‌اند و قابلیت استناد عرفی را به‌عنوان مبنای مسئولیت مباشر یا سبب، در فرضی که اقوای از مباشر باشد، دانسته‌اند. (میرزای نائینی پیشین، ۱۷۲)

در نتیجه در صورتی که قتل ناشی از انتقال ویروس قابل استناد به متهم باشد مرتکب در قبال جنایت وارده مسئول می‌باشد صاحب جواهر در مورد کسی که دیگری را حبس نموده و مانع رسیدن غذا و آب به وی شده است که به دنبال این ممنوعیت شخص مریض گردد و معلوم گردد که بیماری مسبب از نرسیدن آب غذا است در نتیجه فوت نماید یا اثر ضعف و ناتوانی فوت نماید قتل عمد شمرده می‌شود اگرچه قصد قتل را نداشته باشد یا عمل وی غالباً کشنده نباشد؛ زیرا این مسأله با توجه به وضعیت افراد از نظر سلامت و بیماری وضعیت زمانی مانند فصل سرما و گرما متفاوت خواهد بود: «لکن أعقبه ذلک مرضاً علم أنه مسبب عنه مات به أو ضعف قوة کذلک حتی تلف فيه فهو عمد و إن لم يرد القتل، لما عرفته و إن لم یکن تولد ذلک غالباً منه، و یختلف ذلک باختلاف الناس قوة و حالا و زماناً» (نجفی، ۴۲، ۱۴۰۴، ۲۷)

پس معیار استناد عرف است در مسأله انتقال ویروس و کرونا عرف خاص یعنی نظریه پزشکی قانونی معیار احراز استناد است هرگاه بر اساس نظریه پزشکی قانونی و یا پزشک معتمد احراز گردد که مرگ قربانی ناشی از رفتار عمدی متهم مبنی بر انتقال ویروس کروناست قتل عمد ثابت می‌گردد. در فقه اسلامی در موارد متعددی فقها معیار استناد را صدق عرفی می‌دانند مثلاً آیت‌الله خویی در مورد جنایتی ناشی از خوردن طعام مسموم می‌نویسد: «إن القتل عرفاً مستند إلى فعله، وهذا المقدار كاف لتحقيق موجب القصاص» (خویی، ۱۴۱۳، ۴۲)

ب. دیدگاه حقوق دانان در احراز رابطه سببیت

به عقیده اکثریت حقوق دانان، بهترین ملاک برای احراز قابلیت استناد، داوری عرف است. حقوق خصوصی حاکم بر روابط اشخاص است؛ لذا عرف، بهترین عاملی است که می‌تواند، این روابط را تنظیم نماید. قانون گذار نیز در موارد بسیاری، داوری عرف را پذیرفته است. به عقیده ما، نظریه منتخب در اینجا، احراز رابطه سببیت عرفی است. مراد از استناد عرفی، این است که عرف در ارزیابی خود، فعل زیان بار یا به عبارت بهتر زیان را، صادر از عامل آن محسوب نماید (باریکلو، پیشین، ۹۷)

عرف قانون نانوشته‌ای است که ناشی از نیازهای زندگی اجتماعی بوده و همواره منطبق بر نیازهای زندگی مردم است و با مقتضیات زندگی اجتماعی هماهنگ می‌باشد، به نحوی که با تغییر اخلاق، رسوم و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم، متغیر می‌شود. نقش عرف در مسئولیت مدنی غیرقابل انکار است. مفهوم ضرر یک مفهوم عرفی است؛ حتی در نظریه تقصیر، امروزه ملاک تشخیص تقصیر، عرف است؛ تشخیص رابطه سببیت هم، بدون داوری عرف امکان پذیر نیست. از این روست که برخی حقوق دانان عقیده دارند، حقوق مسئولیت مدنی یک حقوق عرفی است، (یزدانیان، پیشین، ۲۴۳) در نتیجه معیار رابطه سببیت عرفی با ماهیت حقوق مسئولیت مدنی، نیز سازگار است.

برخی حقوق دانان هم در آثار خود از همین عامل برای احراز قابلیت انتساب زیان به عامل زیان استفاده نموده‌اند؛ به عقیده ایشان «معیار قابلیت انتساب ضرر به فاعل فعل مقصرانه، فهم عرفی است.» (یزدانیان، پیشین، ۲۷۴) در مجموع چنین به نظر می‌رسد که رابطه سببیت عرفی می‌تواند به‌عنوان یک معیار قابل پذیرش در احراز قابلیت استناد مورد استفاده قرار گیرد.

در رفتار مجرمانه منجر به مرگ بین ایجاد ضرب، جرح و انتقال ویروس کشنده تفاوت وجود ندارد؛ زیرا هر دو مورد به نحوی رفتار انسانی محسوب می‌گردد» و کذا لوکان بسرایت کمن قطع ید غیره فسرت إلى نفسه فالقصاص فی النفس لا فی الطرف؛ زیرا قتل معمولاً بدون جراحت و جنایت بر اعضا نمی‌باشد مرگ قربانی به دلیل سرایت جراحت جنایت قتل شمرده می‌شود و مسئولیت جنایت بر نفس را عهده‌دار است که عبارت است از قصاص وی (تبریزی، ۱۴۲۷، ۶۳) اگر مرگ قربانی ناشی از سرایت جراحت باشد در اثر جنایت شخصی باشد که مرحله اول جراحت وارد نموده است، این جراحت به نفس سرایت نموده منجر به مرگ شده است بدون تردید و اشکال مرتکب محکوم به قصاص نفس می‌گردد قطع دست و قصاص نفس باهم مورد ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷، ۹۱) همان‌طور که جراحت منجر به مرگ باعث می‌شود که جرح محکوم به قصاص یا دیه شود، به وحدت ملاک می‌توان گفت که اگر جنایتی ناشی از انتقال ویروس کرونا منجر به مرگ منتقل‌الیه گردد، انتقال دهنده قاتل شمرده می‌شود که حسب مورد محکوم به قصاص یا دیه می‌گردد.

۱. اشکالات احراز رابطه سببیت در انتقال ویروس کرونا

در مورد اثبات رابطه سببیت احراز رابطه سببیت در انتقال ویروس کرونا، در صورت تعدد انتقال دهندگان، امر دشوار است؛ زیرا در رویه قضایی فرانسه در محاکم متعدد در دعاوی انتقال هیپاتیت C از طریق تزریق خون و یا ابتلا به ایدز با استفاده از خونی که از بانک خون گرفته شده با ایرادات و مواجهه شده است همان اشکالات در ابتلا به ویروس کرونا هم وارد است، ایرادات به صورت ذیل دسته بندی می‌گردد:

الف. نامشخص بودن عامل انتقال ویروس و ایجاد خسارت

در مورد ابتلای فرد به ویروس کرونا، سبب ابتلا معلوم نیست، زیرا سبب معینی باعث ابتلا به ویروس نشده است گرچند سبب یا اسبابی باعث ابتلای شخص به کرونا شده است، ولی این سبب یا اسباب نه نوعش معلوم است و نه تعداد، به این معنا که نمی‌دانیم انتقال ویروس از مجرای دست دادن با فرد آلوده بوده یا ویروس از طریق سطوح آلوده به ویروس بیمار شده و یا از راه‌های دیگر، افراد زیادی در یک شهر شاید مبتلا به ویروس باشد که سبب انتقال ویروس به فرد سالم شده است، اما محدوده آن مشخص نیست که چند نفر است؟ در اینجا علم اجمالی داریم به انتقال ویروس، ولی اطراف علم اجمالی غیر محصوره است، در اصول در مورد علم اجمالی غیر محصوره اصل برائت جاری می‌شود.

ب. عدم اثبات سبب زیان از طرف مدعی

کسی که ادعای ضرر و زیان ابتلا به ویروس کرونا را دارد، باید ثابت نماید که از طرف چه کسی این ویروس منتقل شده و به او زیان رسیده است براساس قاعده «البینه علی المدعی والیمن علی من انکر» در مورد ادعای ابتلا به ویروس کرونا چنین اثباتی وجود ندارد. چنانچه در رویه قضایی فرانسه در مورد ادعای شخصی که ادعای ابتلا به ویروس هیپاتیت C کرده بود و مدعی بود که این بیماری از آلودگی ناشی از خونی است که از مرکز انتقال خون دریافت کرده است و علیه بنیاد ملی انتقال خون شکایت کرد. دادگاه پژوهش با این استدلال که هیچ دلیل مثبتی مبنی بر انتقال خون آلوده وجود ندارد، دعوای او را رد کرد. دیوان کشور فرانسه نیز در رد فرجام خواهی گفته است: «شخصی که آلودگی‌اش را ناشی از فرآورده‌های خونی می‌داند، باید به هر وسیله‌ای از جمله به وسیله آمارها آن را به اثبات برساند.» (ژوردن، ۱۳۸۶، ۹۵) درمان‌جن فیه هم همین مسأله است کسی مدعی است که شخصی سبب انتقال ویروس کرونا به وی شده است، باید با دلیل محکمه پسند سبب انتقال را اثبات نماید.

ج. ناممکن بودن زمان انتقال و تشخیص منشأ آلودگی

در مورد منشأ آلودگی به ویروس کرونا، امکان شناسایی و دسترسی به آن دشوار است؛ زیرا این ویروس دارای جسم قابل رؤیت نیست که ببینیم در چه تاریخی و از چه منبعی انتقال پیدا کرده و هیچ‌گونه مستند علمی قطعی، دالّ بر رابطه میان حضور فرد مبتلا به ویروس در یک جمع یا در یک محیط و ابتلا به بیماری کرونا وجود ندارد، برای مثال در جرایم فزیک و عادی مانند جرم قتل عمد از طریق ضرب و جرح با رفتار غیرکشنده برای اثبات قتل عمد، نیاز به احراز و اثبات قصد قتل وجود دارد و دستیابی به آن سخت است، اما با شهادت شهود و یا با اقرار قاتل به قتل عمد و غیرعمد بودن قتل قابل احراز و اثبات است، ولی در مسأله انتقال ویروس چنین فرضی ممکن نیست چون کرونا به جهت ویژگی‌های که دارد انتقال و آلودگی آن به آسانی قابل

تشخیص نیست، اصل انتقال از متهم به صورت عمد و ایرعمد آن قابل احراز است و قابل اثبات نیست (جورکویه، ۱۳۹۹، ۲۲۴)؛ زیرا اول اینکه متخصصان نظر قطعی دارند که این ویروس می‌تواند تا دوهفته در حالت کمون باشد و هیچ علامت ظاهری نداشته باشد؛ بنابراین، امکان دارد فرد متوفی پیش از مواجهه با متهم دارای این ویروس بوده ولی علایم آن تا این زمان در او ظاهر نشده باشد.

د. فاصله زمانی میان رفتار و نتیجه در استناد و قطع استناد

اشکال دیگر اینکه مدعی ابتلا به ویروس در فاصله زمانی که از کسی ویروس کرونا به او منتقل شده شاید بعد از آن از کسی دیگری ویروس کرونا را دریافت کرده و عامل دیگری رابطه سببیت عامل اول را قطع کرده باشد. شاید متوفی در این فاصله با افراد مختلفی ارتباط داشته باشد شاید این ویروس از ارتباط با غیرمتهم به او منتقل شده باشد و... تمامی این حالات باعث می‌شود نتوان شخص متهم را عامل انتقال ویروس شناخت و محکوم کرد.

هرگاه جانی به غذای قربانی و مجنی علیه زهر کشنده بریزد قربانی در اثر خوردن غذای مسموم فوت نماید میان رفتار جنایی و نتیجه حاصله، فاصله زمانی وجود ندارد در این‌گونه موارد احراز رابطه استناد آسان است؛ ولی در برخی جرایم میان رفتار مجرمانه و نتیجه فاصله زمانی وجود دارد مثلاً اگر از طریق انتقال ویروس کشنده مانند کرونا و ایدز قصد قتل دیگری را داشته باشد به‌منظور قتل ویروس کشنده را انتشار و انتقال دهد شخص در اثر سرایت بیماری ناشی از انتقال ویروس فوت نماید یا عوامل دیگری مانند غفلت و بی‌توجهی قربانی امر درمان، غفلت کادر درمان... موجب مرگ مجنی علیه گردد احراز رابطه استناد به مشکل مواجه می‌گردد؛ ولی قانون گذار فاصله زمانی را مانع استناد جنایت نمی‌داند در صورتی که بر اساس فهم عرفی و عقل سلیم بتوان جنایت را به مرتکب نسبت داد. فاصله زمانی از علل قطع رابطه استنادی شمرده نمی‌شود. به‌موجب ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی «وجود فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن مانع تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است حکم این ماده و ماده ۴۹۲ این قانون در مورد کلیه جرایم جاری است».

نتیجه گیری

از مطالعات حقوقی و فقهی به این نتیجه می‌رسیم که انتقال دهنده ویروس کرونا با هر وضعیتی که باشد چه علم داشته باشد یا نداشته باشد و چه با قصد و یا بدون قصد، در هر حال مسئولیت مدنی دارد، منتهی بحث مهم استناد ضرر به رفتار زیان مرتکب است. مبنای مسئولیت مدنی استناد ضرر به رفتار زیان بار متهم است و متهم در قبال نتیجه‌ای مسئول و پاسخگوست که ناشی از رفتار زیان بار وی باشد. بنابراین، تا زمانی که نتیجه‌ای به وجود آمده به رفتار مستند نباشد، مسئولیت به‌وجود نمی‌آید. معیار استناد عرف است از منظر عرف هرگاه در حادثه زیان باری در صورتی که ضرر و زیان وارد شده به رفتار مرتکب مستند باشد، این استناد دارای آثار و احکامی است که عبارت است از مسئولیت مدنی مرتکب در قبال رفتار زیان بار اگر رفتار زیان بار مستند به مرتکب عمدی باشد مرتکب محکوم به قصاص نفس یا عضو می‌گردد، ولی اگر رفتار زیان بار مستند به تقصیر باشد مرتکب باید دیه نفس را پرداخت نماید.

استناد اعم از مباشرت و تسبیب است؛ یعنی اگر چنانچه رفتار مرتکب به طور مستقیم علت تلف و مرگ شناخته شود، علت نامیده می‌شود ولی اگر به طور غیرمستقیم، مرگ و جنایت به رفتار وی مستند باشد، این عامل سبب نامیده می‌شود؛ مانند آن که یک فرد عامل انتقال بیمارهای کشنده مانند ویروس «کرونا»، «ایدز» «هیپاتیت» و دیگر بیماری‌های مسری باشد یا این که چند نفر در عرض هم موجب فراهم نمودن اسباب جنایت شود، به گونه ای که جنایت مستند به همه آن اسباب باشد و همه اسباب هم عمدی باشد. در چنین موارد احراز استناد مهم است و چنانچه اثبات گردد شخص در انتقال بیماری تعمد داشته و مرگ هم در اثر این بیماری اتفاق افتاده آن شخص فاعل مباشر جرم شناخته شده و تمام عواقب قتل عمد، متوجه آن است ولی اگر عناصر قتل عمد در این اقدام احراز نگردد، قتل غیرعمد محسوب شده و مستوجب دیه می‌گردد.

منابع:

۱. ابن اثیر مبارک بن محمد، *النهایه فی غریب الحدیث والاثیر*، الجزء الثالث.
۲. اردبیلی، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر میزان، ج ۱، چ بیست و نهم، ۱۳۹۲.
۳. الزبیدی، محمد، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۷.
۴. الفراهیدی، خلیل، *العین*، بیروت، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۷.
۵. انطون الیاس، *فرهنگ نوین*، ترجمه سیدمصطفی طباطبایی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۰.
۶. باریکلو، علیرضا، *مسئولیت مدنی*، تهران، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۷. بهرامی احمدی، حمید، *ضمان قهری*، تهران، دانشگاه امام صادق، چ اول، ۱۳۹۱.
۸. بادینی، حسن، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول، ۱۳۸۴.
۹. پاتریس ژوردن، *رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی*، ترجمه مجید ادیب، تهران، نشر میزان.
۱۰. پیروز سماواتی، امیر، *عدالت ترمیمی؛ تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن*، تهران، نشرنگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۱. لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، چ اول، ۱۳۷۸، ج ۱.
۱۲. جورکویه، علی محمد، *مجله حقوق اسلامی*، سال هفدهم، شماره ۶۴، بهار، ۱۳۹۹.
۱۳. حسنی، محمودنجیب، مترجم، *سیدعلی عباس نیای زارع، رابطه سببیت در حقوق کیفری*، مشهد، دانشگاه علوم رضوی، چ اول، ۱۳۸۵.
۱۴. حسینی، میرعبدالفتاح، *العناوین*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۲.
۱۵. حمیدبهرامی، *ضمان قهری*، تهران، دانشگاه امام صادق، چ ۱۳۹۰، ص ۱۷۵.
۱۶. خویی، سیدابوالقاسم، *مبانی تکملة المنهاج*، قم، انتشارات موسسه خویی، بی تا، ۱۴۳۰.
۱۷. سلیمی، علی و محمدداوری، *جامعه شناسی کجروی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۱۸. شامبیاتی، هوشنگ، *حقوق جزای عمومی*، تهران، مجد، چ یازدهم، ۱۳۸۲، ج ۱.
۱۹. شیرازی، ناصرمکارم، *القواعد الفقهیه*، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین، چاپ سوم، ۱۴۱۱ ه.ق، ج ۱.
۲۰. شهید صدر، محمدباقر، *الفتاوی الواضحه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، هشتم، ۴۰۳ ه.ق.
۲۱. طاهری، حبیب الله، *حقوق مدنی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲.
۲۲. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲، ج ۳.
۲۳. عراقی، آقا ضیاء الدین، *قاعده لا ضرر*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۴۱۸ ه.ق.
۲۴. قاسم زاده، سیدمرتضی، *الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرداد*، تهران، میزان، ۱۳۸۷، ج ۲.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، *الزامهای خارج از قرار داد*، مسؤولیت مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
۲۶. محقق حلی، جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، دوم، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۴.
۲۷. محقق داماد، مصطفی، *قواعد فقه*، مرکز نشر علوم اسلامی ۱۴۲۹ ه.ق، ج ۱.
۲۸. مشکینی، ابوالحسن، *قاعده المیسور و نفی الضرر*، قم، کتابفروشی لقمان، چ اول، ۴۱۳ ه.ق، ج ۴.
۲۹. مغنیه، محمد جواد، *فقه الامام الصادق*، قم، مؤسسه انصاریان، چ دوم، ۱۴۲۱ ه.ق.
۳۰. نجفی، خوانساری، شیخ موسی، *حاشیه المکاسب* (منیه الطالب)، تقریرات درس میرزا محمد حسن نائینی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲.

۳۱. نائینی، میرزا محمد حسین، *المکاسب والبیع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۳۲. نجفی، شیخ محمد حسن (صاحب جواهر)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، الطبعة الثالثة، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۳۷.
۳۳. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، *مبانی تکمله المنهاج*، قم، الطبعة الثانية، ۱۳۹۶ هـ.ق، دارالهادی، ج ۲.
۳۴. یزدانیان، علیرضا، *قواعد عمومی مسئولیت مدنی*، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۶، ج ۱.